

امکان و امتناع نقد در جامعه اسلامی



سرمقاله
اعظم طالقانی

می‌دهند. برخی از این تحولات به صورت تاکتیکی بوده و برخی دیگر اصلاحات استراتژیک هستند. واقعیت این است که اصل امر به معروف و نهی از منکر بیش از آنکه مربوط به رفتارهای شخصی باشد، درباره نقد ساختارهای قدرت است. فلسفه وجودی احزاب هم همین است. احزاب باید بتوانند در چارچوب قانون و بر اساس منافع ملی قدرت حاکمه را نقد کنند و البته در این مسیر رعایت شأن افراد و پرهیز از سخنان ناروا و توهین‌آمیز ضروری است.

خداوند در سوره طه آیات ۴۷-۴۸ به حضرت موسی می‌گوید وقتی به سراغ فرعون می‌روی با زبانی نرم و لَین سخن بگو: «فَأْتِيَا فُفُولًا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ يَا أَيُّهُ مِنَ رِبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ»؛ به سراغ او بروید و بگویید: ما فرستادگان پروردگار توایم! بنی اسرائیل را با ما بفرست و آنان را شکنجه و آزار مکن! ما نشانه روشنی از سوی پروردگارت برای تو آورده‌ایم! و درود بر آن کس باد که از هدایت پیروی می‌کند! به ما وحی شده که عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) تکذیب کند و سرپیچی نماید.

در این آیات، مطالب در عین صراحت با زبانی متین بیان شده است. نقد افراد با انکار آن‌ها تفاوت دارد. هدف از نقد بهبود شرایط است، نه حذف افراد. سویه نقد باید به سمت عملکردها باشد و نه اشخاص. مرحوم مهندس سبحانی در همان سخنرانی می‌گوید: «از نقد افراد گذر کنیم و به نقد جریان‌ها و بینش‌ها و عملکردها بپردازیم. در این صورت به نتایجی هم خواهیم رسید، ولی اگر این امر را رعایت نکنیم، به دام درگیری‌های شخصی گرفتار خواهیم شد. در چنین حالتی، به جای اینکه در ابتدا ایدئولوژی‌ها را نقد کنیم و بعد حکم کنیم که تمام این حرف‌هایی که از این مجرا بیرون می‌آید غلط است یا صحیح است به نقد عملکردها و نتایج استراتژی‌ها و محصولی که از آن بیرون می‌آید پرداخته و به این نتیجه خواهیم رسید که محصول این استراتژی، قدرت یا ضعف مادی و معنوی جامعه بوده، مردم را منسجم کرده یا موجب تفرقه آحاد جامعه شده، فاصله طبقات افزایش یافته و یا اینکه فاصله طبقه غنی و فقیر کاهش پیدا کرده و این تجربه‌ها ملاک ما برای جهت‌گیری خواهد بود.»

از سوی دیگر این نقد به حاکمیت وارد است که فضای آزادانه نقد را فراهم نکرده است. از روزهای نخست انقلاب، هر زمان که ما انتقادی را مطرح می‌کردیم، آن را معادل تضعیف ساختارها می‌گرفتند، درحالی‌که با بیان مشکلات و کاستی‌ها راهی برای اصلاح پیش‌روی حاکمیت قرار داده می‌شود. به همین دلیل است که مطبوعات آزاد و احزاب مستقل را دو بازوی دموکراسی می‌دانند. اگر از روزهای نخست انقلاب به ما اجازه می‌دادند نقدهای صادقانه و مشفقانه خود را بیان کنیم و در مصائب و مشکلات ارائه طریق کنیم، حالا شاهد این‌همه اختلاس و تبعیض و ناکارآمدی ساختارها نبودیم.

چرا باید یک نماینده مجلس به خاطر تذکر و نقد تحت پیگرد قضائی قرار بگیرد؟ نمایندگان مجلس در همه دنیا مصونیت دارند. اساساً اصلی‌ترین وظیفه نماینده مجلس تذکر دادن و نقد کردن و امر به معروف است. اگر این مصونیت نهادینه شود، دیگر لازم نیست نمایندگان مشکلات را در جلسات خصوصی مطرح کنند، بلکه همه ناکارآمدی‌ها را با بیانی صریح از تریبون مجلس به اطلاع

مزرع سبزی فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
گفتم ای بخت بختفیدی و خورشید دمید
گفت با این همه از سابقه نومید مشو
آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت
حافظ این خرجه پشمینه بینداز و برو
رئیس‌جمهور محترم در تاریخ ۲۶ آبان سال
۹۵ قانون جدید احزاب را ابلاغ کرده است و از آن تاریخ به بعد همه احزاب موظف‌اند خود را با این قانون تطبیق دهند. چندی پیش مشغول مطالعه این قانون بودم و به نکات جالبی برخورد کردم. به نظر رسید بد نیست آن‌ها را با خوانندگان گرامی و اعضای محترم حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی در میان بگذارم. در فصل اول این قانون در تعریف حزب آمده است: «حزب تشکیلاتی است متشکل از اشخاص حقیقی که با برنامه مشخص در جهت کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن، در چارچوب قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس مرامنامه و اساسنامه مصوب خود در سطح ملی یا استانی فعالیت می‌کند.» همچنین در ماده ۱۳ این قانون به حقوق احزاب اشاره می‌کند؛ احزاب دارای پروانه فعالیت در چارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند: الف فعالیت سیاسی؛ ب انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جهت اجرای اصل هشتم ۸ قانون اساسی در چارچوب قوانین و مقررات؛ پ اظهارنظر آزاد و علنی در مسائل کشور در راستای وظایف قانونی احزاب؛ ت معرفی و حمایت از نامزدهای انتخاباتی در تمام انتخابات؛ و ث ائتلاف با دیگر احزاب.

آنچه مسلم است یکی از مهم‌ترین وظایف احزاب نقد حاکمیت در چارچوب اصل امر به معروف و نهی از منکر است. در همین راستا، مهندس سبحانی در آبان‌ماه سال ۱۳۷۴ در یک سخنرانی مطالبی را درباره اهمیت نقد ساختارها بیان کردند که مشروح آن در همین شماره نشریه پیام ابراهیم منتشر شده است. مهندس سبحانی در بخشی از سخنان خود درباره ضرورت نقد ساختاری می‌گوید: «... لنین از درون نقدی بر مارکسیسم به عمل آورد. او برخلاف ایده مارکس عنصر آگاهی و اراده حزبی را وارد در شرایط تکوین انقلاب و ضامن تحقق آن نمود و دیدیم که این تحول موجب پیروزی انقلاب اکتبر شوروی شد. در چین نیز پس از دو بار انقلاب، بر اساس الگوی انقلاب شوروی، یعنی تکیه استراتژیک بر طبقه کارگر در کشوری که صنعتی نشده بود بلکه در حالت فئودالی و نیمه‌فئودالی باقی مانده بود و شکست فاحش این دو انقلاب، مانو رهبر انقلاب چین با نقدی که از اندیشه لنینسیسم نمود به این نتیجه رسید که در جامعه‌ای نظیر چین آن روز اتکای استراتژیک، برعکس، باید بر کشاورزان قرار گیرد؛ و دیدیم که این تغییر حاصله از نقد گذشته توفیق هم یافت. بدین ترتیب از طریق نقد روش‌ها، استراتژی‌ها و حتی اصول حاکم ایدئولوژیک است که تمام تحولات مهم تاریخی و اجتماعی و سیاسی توانسته‌اند به پیروزی‌هایی دست یابند.»

رهبان جامعه همیشه برای بهبود شرایط اصلاحاتی را انجام

شوند، انتظار آنان و متعهدان دانای کشور این است که به تلاش آنان توجه شود و از ابزاری مانند تهدید که حس اعتماد را کاهش می‌دهد، دوری جویند و چون این‌گونه رفتارها به نام (الله) صورت می‌گیرد نقش فوق‌العاده‌ای در تضعیف اعتقادات مردم خواهد داشت و تاریخ هم بهترین قضاوت را خواهد کرد. آیا می‌توان پذیرفت که همه کسانی که اعم از زنان و مردان در زندان‌های جمهوری اسلامی به سر می‌برند مستحق چنین رفتاری هستند؟ مبدا کسی به جرم انتقاد از حاکمیت در حبس باشد. مبدا کسی بترسد از اینکه مشکلات را بیان کند و مبدا کسی هنگام سخن گفتن از ضعف‌ها لکنت بگیرد.

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»

«در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.»

عموم مردم می‌رسانند. این حق مردم است که از همه امور اطلاع داشته باشند و پیگیر حقوق از دست رفته خود باشند. در اینجا اهمیت جایگاه قضا آشکار می‌شود. وظیفه قوه قضائیه اجرای قانون و برخورد با متجاوزین به حقوق مردم به دور از هرگونه تبعیض است. در این صورت است که فضا برای رشد و خلاقیت فراهم می‌شود. قوه قضائیه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پایه‌های هر نظام و حاکمیتی است و دو قوه مجریه و مقننه که مسئولیت آنها اداره امور اجرایی و قانونگذاری است، تحت‌الشعاع قوه قضائیه هستند. اگر در قوه قضائیه بی‌عدالتی و تبعیض و برخورد جناحی وجود داشته باشد، از دو قوه دیگر نمی‌توان انتظار داشت در اداره جامعه عدالت را رعایت کنند و حقوق انسان‌ها را محترم شمارند. ملت‌ها اعمال حاکمیت‌ها و مسئولان را الگو قرار می‌دهند و از این‌رو چنانچه فساد در جامعه‌ای رسوخ کند و هنجارها بدل به ناهنجاری شود، برای دریافت علل ظهور فساد (تباهی استعداد‌های بالقوه) ابتدا قوه قضائیه مورد ارزیابی و قضاوت مردم قرار خواهد گرفت و سپس راه چاره را در اصلاح قوای دیگر می‌توان پیدا کرد. چنانچه مشفقان صادق واقعی وطن‌پرست نسبت به رفتار مسئولان معترض

اربعین حسینی تسلیت و تعزیت باد

و خون تو امضای راستی است
تو را باید در راستی دید
ابدیت ، آینه ای است
پیش روی قامت رسای تو در عزم!

آفتاب لایق نیست
وگر نه می گفتم
جرقه نگاه توست!

تو تنها تر از شجاعت
در گوشه ی روشن وجدان تاریخ
ایستاده ای
به پاسداری از حقیقت
و صداقت
شیرین ترین لبخند
بر لبان اراده ی توست

مرگ تو ،
مبدا تاریخ عشق
آغاز رنگ سرخ
معیار زندگی است!

پایان سخن
پایان من است
تو انتها نداری...

علی موسوی گرمارودی

درختان را دوست دارم
که به احترام تو قیام کرده اند
و آب را
که مهر مادر توست...

خون تو شرف را سرخ گون کرده است
شفق ، آینه دار نجابت ،
و فلق ، محرابی
که تو در آن
نماز صبح شهادت گزارده ای.

در فکر آن گودالم
که خون تو را مکیده است
هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم
در حضیض هم می توان عزیز بود
از گودال بپرس...

آه ، ای مرگ تو معیار!
مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت
و آن را بی قدر کرد
که مردنی چنان
غبطه ی بزرگ زندگانی شد

خونت
با خون بهایت ، حقیقت
در یک تراز ایستاد
و عزمت ، ضامن دوام جهان شد
- که جهان با دروغ می باشد -